

درباره لایحه آیین دادرسی کیفری

«پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها»

(باب چهارم: اعتراض به آرا)

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۱۲۴۱۸

خردادماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات حقوقی

به نام خدا

فهرست مطالب

- فصل اول - کلیات ۱
- فصل دوم - کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان ۹
- فصل سوم - کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور ۱۶
- فصل چهارم - اعاده دادرسی ۲۲



درباره لایحه آیین دادرسی کیفری
«پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها»
(باب چهارم: اعتراض به آرا)

فصل اول - کلیات

ماده (۴۲۶)

دادگاه تجدیدنظر استان برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است مگر مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان، با حضور رئیس یا دادرس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود.

ماده (۴۲۷)

آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف) جرائم تعزیری درجه هشت،

ب) جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از

یکدهم دیه کامل باشد.

تبصره «۱» - در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است.

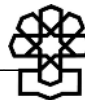
تبصره «۲» - آرای قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب و اناطه است و نیز قرار رد درخواست و خواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی که رأی راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظرخواهی باشد.

ماده (۴۲۸)

آرای صادر شده در خصوص جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر می‌باشد و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است و آرای صادره در خصوص جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

ماده (۴۲۹)

در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابلیت تجدیدنظر یا فرجام دارد.

**ماده (۴۳۰)**

در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی خود را ساقط کرده باشند، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی آنان مسموع نخواهد بود، مگر درخصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی.

ماده (۴۳۱)

مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظر و فرجام برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت وخواهی است.

ماده (۴۳۲)

هرگاه تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شده باشد و درخواست‌کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی کرده، در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند. جهات عذر موجه همان است که در ماده (۱۷۸) این قانون مقرر شده است.

ماده (۴۳۳)

اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام دارند:

- الف) محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او،
 ب) شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان،
 ج) دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات.

ماده (۴۳۴)

جهات تجدیدنظرخواهی به شرح زیر است:

- الف) ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه،
 ب) ادعای مخالف بودن رأی با قانون،
 ج) ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی،
 د) ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی.

تبصره - اگر تجدیدنظرخواهی به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده

به عمل آمده باشد، در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم رسیدگی می‌شود.

ماده (۴۳۵)

دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می‌کند.



ماده (۴۳۶)

تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی طرفین نسبت به جنبه کیفری رأی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی مقرر صورت می‌گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است.

تبصره - تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی محکوم‌علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نسبت به امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

ماده (۴۳۷)

هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه، مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم شود، دادگاه صادرکننده رأی نخستین به این ادعا خارج از نوبت رسیدگی می‌کند.

ماده (۴۳۸)

هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه زندانی باشد، حسب مورد، از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر یا فرجام نسبت به امری که به موجب آن زندانی است، معاف خواهد بود.

ماده (۴۳۹)

تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تسلیم کند. دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه و طرف دعوای او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم‌کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر و فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی محسوب می‌شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

تبصره - در صورتی که تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی در مهلت مقرر صورت گرفته باشد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را حسب مورد، به دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور ارسال می‌کند.

ماده (۴۴۰)

هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، ظرف دو روز، نقایص آن را به درخواست‌کننده یا دادخواست‌دهنده اعلام و اخطار می‌کند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نقایص مذکور را رفع کند. چنانچه در مهلت مقرر، رفع نقص صورت نگیرد و همچنین در صورتی که درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام خارج از مهلت



قانونی تقدیم شده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به نظر رئیس دادگاه می‌رساند تا قرار مقتضی را صادر کند. این قرار حسب مورد قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان و یا دیوان عالی کشور است.

ماده (۴۴۱)

هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام‌خواه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام را مسترد کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر یا فرجام را صادر می‌کند. چنانچه پرونده به مرجع تجدیدنظر یا فرجام ارسال شده باشد، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر یا فرجام توسط دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور صادر خواهد شد. در هر حال، درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام مجدد پذیرفته نیست.

ماده (۴۴۲)

در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادر شده درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد کرده، تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا ربع مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

ماده (۴۴۳)

آرایی که در مرحله تجدیدنظر صادر می‌شود، قطعی است.

ماده (۴۴۴)

مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. مرجع فرجام‌خواهی از آرا و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور خواهد بود.

ماده (۴۴۵)

آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظرخواهی است.

ماده (۴۴۶)

درخواست تجدیدنظر از آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را می‌توان به دفتر دادگاه صادرکننده حکم یا دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا چنانچه طفل یا نوجوان در قانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود به دفتر قانون اصلاح و تربیت تسلیم نمود.

ماده (۴۴۷)

درخواست تجدیدنظر از آرا و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند توسط



نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا وکیل آنان به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آرا و تصمیمات دادگاه را مخالف قانون بداند می‌تواند درخواست تجدیدنظر نماید. مدعی خصوصی می‌تواند فقط از حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت یا قرار منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده تجدیدنظرخواهی کند.

فصل دوم - کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان

ماده (۴۴۸)

پرونده‌ها پس از وصول به دادگاه تجدیدنظر استان به ترتیب در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه و رعایت مقررات فصل اول از باب ششم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی در این واحد ثبت می‌شوند و با رعایت ترتیب شعب دادگاه، به وسیله رئیس کل دادگستری استان یا معاون او و یا یکی از رؤسای شعب به انتخاب وی با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول از طریق سامانه رایانه‌ای در حوزه‌های قضایی که دارای سامانه رایانه‌ای می‌باشد، ارجاع می‌شود.

تبصره - ارجاع پرونده در دادگاه‌های تجدیدنظر استان توسط رئیس کل دادگستری استان به عمل می‌آید.

ماده (۴۴۹)

دادگاه به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند، مگر در مواردی که

به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

تبصره - به جرائمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شده باشد، با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده (۴۵۰)

رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تهیه و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می‌کند. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درخصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن باشد، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کند:

الف) در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدیدنظر استان، آن را بدون اظهارنظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند رأساً مبادرت به انجام تحقیقات نماید.

ب) هرگاه رأی صادر شده از نوع قرار باشد و انجام تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و



آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

ج) هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی نداشته است صادر شده باشد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند.

د) اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر می‌کند.

ه) در غیر از موارد مزبور در بندهای فوق، دادگاه تجدیدنظر بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین و تمام اشخاصی که حضورشان ضروری است صادر می‌کند. طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نخواهد بود.

ماده (۴۵۱)

در مواردی که رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر استان، مستلزم تعیین وقت و احضار طرفین باشد، رسیدگی با حضور دادستان شهرستان مرکز استان یا یکی از معاونان یا دادیاران وی و با رعایت ماده (۳۰۰) این قانون به ترتیب زیر انجام می‌شود:

الف) قرائت گزارش پرونده و تحقیقات و اقدامات انجام شده توسط یکی از اعضای دادگاه،

ب) طرح سؤالات لازم و تحقیق از طرفین توسط رئیس یا مستشار و استماع

مدافعات آنان،

ج) کسب اطلاع از شهود و مطلعان در صورت لزوم،

د) اظهار عقیده دادستان یا نماینده او و استماع اظهارات شاکی یا مدعی

خصوصی و آخرین مدافعات متهم یا وکلای آنان.

ماده (۴۵۲)

قرار معاینه محل و تحقیق محلی توسط رئیس دادگاه یا با تعیین او توسط یکی از مستشاران شعبه اجرا می‌شود. چنانچه محل اجرای قرار، خارج از حوزه قضایی مرکز استان باشد، دادگاه تجدیدنظر استان می‌تواند اجرای قرار را از دادگاه محل مربوط درخواست کند و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگری باشد، با اعطای نیابت قضایی به دادگاه نخستین محل، درخواست اجرای قرار می‌کند.

ماده (۴۵۳)

هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، حضور شخصی را که زندانی است لازم بداند، دستور اعزام او را به مسئول زندان یا بازداشتگاه صادر می‌کند. چنانچه زندان یا بازداشتگاه در محل دیگری باشد، دادگاه می‌تواند با کسب موافقت مرجع قضایی که متهم تحت نظر وی زندانی است، دستور دهد که متهم زندانی به‌طور موقت تا پایان رسیدگی در زندان نزدیک محل دادگاه نگهداری شود.

**ماده (۴۵۴)**

احضار، جلب، رسیدگی به ادله، صدور رأی و سایر ترتیبات در دادگاه تجدیدنظر استان مطابق قواعد و مقررات مربوط است.

ماده (۴۵۵)

دادگاه تجدیدنظر استان پس از تشکیل جلسه رسیدگی و اعلام ختم دادرسی به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کند:

الف) هرگاه رأی مورد تجدیدنظرخواهی مطابق ادله موجود در پرونده و قانون صادر شده باشد، رأی را تأیید و پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌کند.

ب) هرگاه متهم به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد یا دادگاه تجدیدنظر استان، به هر دلیل، برائت متهم را احراز کند، رأی تجدیدنظرخواسته را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند، هرچند محکوم‌علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و چنانچه محکوم‌علیه زندانی باشد، به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود.

ج) چنانچه رأی تجدیدنظرخواسته را مخالف قانون تشخیص دهد با استدلال و ذکر مبانی و مستند قانونی، آن را نقض و در ماهیت، انشای رأی می‌کند.

تبصره - عدم رعایت تشریفات دادرسی، موجب نقض رأی نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود.

ماده (۴۵۶)

هرگاه از رأی صادر شده درخواست تجدیدنظر شود و از متهم تأمین اخذ نشده باشد یا تأمین صادر شده با جرم و ضرر و زیان مدعی خصوصی متناسب نباشد، دادگاه تجدیدنظر استان در صورت اقتضا رأساً یا به درخواست دادستان، شاکی یا مدعی خصوصی و یا متهم، تأمین متناسب اخذ می‌کند و این تصمیم قطعی است.

ماده (۴۵۷)

اگر رأی تجدیدنظرخواسته از نظر تعیین مشخصات طرفین یا تعیین نوع و میزان مجازات، تطبیق عمل با قانون، احتساب محکوم به یا خسارت و یا مواردی نظیر آن، متضمن اشتباهی باشد که به اساس رأی لطمه وارد نسازد، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را اصلاح و آن را تأیید می‌کند و تذکر لازم را به دادگاه نخستین می‌دهد.

ماده (۴۵۸)

دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.

**ماده (۴۵۹)**

هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، محکوم‌علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید اساس حکم می‌تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد، هرچند محکوم‌علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

ماده (۴۶۰)

دادگاه تجدیدنظر استان مکلف است پس از ختم رسیدگی، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته، انشای رأی کند. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده (۴۶۱)

در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر استان بر محکومیت متهم باشد و متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و تجدیدنظر حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشند، رأی دادگاه تجدیدنظر استان ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه است. رأی که در این مرحله صادر می‌شود، قطعی است.

فصل سوم - کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور

ماده (۴۶۲)

دیوان عالی کشور در تهران مستقر و شعب آن از رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود و مرجع فرجام‌خواهی در جرائم موضوع ماده (۴۲۸) این قانون و تبصره آن است.

ماده (۴۶۳)

دیوان عالی کشور به تعداد لازم عضو معاون خواهد داشت که می‌توانند وظایف مستشار را عهده‌دار شوند.

ماده (۴۶۴)

جهات فرجام‌خواهی به قرار زیر است:

الف) ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او،

ب) ادعای عدم رعایت اصول دادرسی در صورتی که این امر به درجه‌ای از

اهمیت باشد که رأی دادگاه را بی‌اعتبار سازد،

ج) عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده.

ماده (۴۶۵)

پرونده‌ها به ترتیب وصول، در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه در این واحد با رعایت مقررات فصل اول از باب ششم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی ثبت



می‌شود و توسط رئیس دیوان یا معاون او و در غیاب آنان، توسط یکی از رؤسای شعب دیوان به انتخاب رئیس دیوان عالی کشور و از طریق سامانه رایانه‌ای با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول، به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود.

ماده (۴۶۶)

شعب دیوان عالی کشور به نوبت به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت مقرر باشد یا در جرائمی که به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شده و رسیدگی خارج از نوبت ضرورت داشته باشد.

ماده (۴۶۷)

رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را شخصاً بررسی و گزارش جامع آنها را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه به‌عنوان عضو ممیز ارجاع می‌کند. عضو ممیز، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درخصوص فرجام‌خواهی و جهات قانونی آن باشد به‌صورت مستدل تهیه و به رئیس شعبه تسلیم می‌کند.

تبصره - هرگاه رئیس یا عضو ممیز در حین تنظیم گزارش از هریک از قضاتی که در آن پرونده دخالت داشته، تخلف از مواد قانونی، یا عدم رعایت مبانی قضایی و یا اعمال غرض مشاهده کند، آن را به‌طور مشروح و با استدلال در گزارش خود متذکر می‌شود و به دستور رئیس شعبه، رونوشتی از این گزارش برای دادستان انتظامی قضات ارسال می‌شود.

ماده (۴۶۸)

رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور بدون احضار طرفین دعوا یا وکلای آنان انجام می‌شود، مگر آنکه شعبه رسیدگی‌کننده حضور آنان را لازم بداند. عدم حضور احضار شونده‌گان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست.

ماده (۴۶۹)

در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می‌توانند با اجازه رئیس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی با حضور در شعبه به‌طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض‌عنه یا فرجام‌خواسته، نظر خود را اعلام می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهار شده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کنند:

الف) اگر رأی مطابق قانون و ادله موجود در پرونده باشد با ابرام آن، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌کنند.

ب) هرگاه رأی مخالف قانون بوده یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشند که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می‌کند:



۱. اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادر شده نقض بلا ارجاع می شود.
 ۲. اگر رأی صادر شده از نوع قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می شود.
 ۳. اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور صالح تشخیص می دهد، ارسال می شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.
 ۴. در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه هم عرض ارجاع می شود.
- تبصره -** در مواردی که دیوان عالی کشور رأی را به علت نقص تحقیقات نقض می کند، مکلف است تمام موارد نقص تحقیقات را به تفصیل ذکر کند.

ماده (۴۷۰)

- مرجع رسیدگی پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می کند:
- الف) در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام داده، سپس مبادرت به صدور رأی کند.
 - ب) در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت کرده، در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه ای برای صدور قرار حادث شود.

ج) در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی اصرار کند. چنانچه این حکم مورد فرجام‌خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می‌کند و در غیر این صورت، پرونده در هیئت عمومی شعب کیفری مطرح می‌شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گرفت، رأی ابرام می‌شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادر شده نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می‌شود. دادگاه مزبور براساس استدلال هیئت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی و غیرقابل فرجام است.

ماده (۴۷۱)

هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هریک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیئت عمومی را درخصوص موضوع درخواست کنند. هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه‌چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام



شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم‌علیه باشد، رأی هیئت عمومی نسبت به آرای مذکور قابل تسری بوده، مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

ماده (۴۷۲)

در کلیه مواردی که هیئت عمومی دیوان عالی کشور به‌منظور ایجاد وحدت رویه قضایی و یا رسیدگی به آرای اصراری و یا انجام سایر وظایف قانونی تشکیل می‌گردد، باید با حضور دادستان کل یا نماینده وی باشد. قبل از اتخاذ تصمیم، دادستان کل یا نماینده وی اظهارنظر می‌کند.

ماده (۴۷۳)

آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به‌موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده (۴۷۱) صادر شده، قابل تغییر خواهد بود.

فصل چهارم - اعاده دادرسی

ماده (۴۷۴)

درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها در موارد زیر پذیرفته می‌شود، اعم از آنکه حکم مذکور به اجرا گذاشته شده یا نشده باشد:

(الف) کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده و زنده بودن وی محرز شود،

(ب) چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شده‌اند و ارتکاب جرم به گونه‌ای است

که نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد،

(ج) شخصی به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب

حکمی از مرجع قضایی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری

که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز شود،

(د) درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شده باشد،

(ه) جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم بوده

در دادگاه صالح ثابت شده باشد،

(و) پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا ادله جدیدی

ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه یا تقصیر متهم باشد،

(ز) عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر

قانونی باشد،

(ح) در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان

قضایی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی



خود، رأی قطعی (اعم از حقوقی یا کیفری) را خلاف بین شرع تشخیص دهند. مفاد این بند صرفاً برای یکبار قابل اعمال است.

تبصره «۱» - مراد از خلاف بین شرع مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل، نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود.

تبصره «۲» - مقامات مذکور در بند «ح» مکلفند مستندات خلاف بین شرع بودن رأی صادره را در زمان درخواست اعاده دادرسی ارائه نمایند.

ماده (۴۷۵)

اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند:

الف) محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او،

ب) دادستان کل کشور،

ج) دادستان مجری حکم،

د) مقامات مذکور در بند «ح» با رعایت مقررات ذیل آن.

ماده (۴۷۶)

درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) این قانون، با تجویز اعاده دادرسی رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم

قطعی، ارجاع می‌کند و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر می‌نماید.

ماده (۴۷۷)

در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی (اعم از حقوقی یا کیفری) را خلاف بین شرع تشخیص دهد، با قبول اعاده دادرسی، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌کند.

ماده (۴۷۸)

هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد، اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق خواهد افتاد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند، تأمین لازم را اخذ می‌نماید.

تبصره - در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات‌های بدنی باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درخصوص تقاضا، دستور متوقف ماندن اجرای حکم را خواهد داد.

ماده (۴۷۹)

پس از شروع به محاکمه جدید، هرگاه ادله‌ای که اقامه شده قوی باشد، فوری قرار توقف



آثار و تبعات حکم اولی، صادر و دادرسی مطابق مواد این قانون انجام می‌گیرد.

ماده (۴۸۰)

هرگاه دادگاه پس از رسیدگی ماهوی، درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌کند. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌شود. حکم دادگاه از حیث تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی تابع مقررات مربوط است.

ماده (۴۸۱)

اگر جهت اعاده دادرسی مغایرت دو حکم باشد، دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، هرکدام از دو رأی را که صحیح تشخیص دهد، تأیید و رأی دیگر را نقض می‌کند.

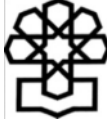
ماده (۴۸۲)

نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود.

ماده (۴۸۳)

هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر کند، محکوم‌علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی،

درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم‌علیه در وقت فوق‌العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی کرده، مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف داده یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم‌علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۴۱۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره لایحه آیین دادرسی کیفری «پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها» (باب چهارم: اعتراض به آرا)

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه جزا)

تهیه و تدوین: مجتبی جاویدی

مدیر مطالعه: حجت‌السلام والمسلمین جلیل محبی

ناظر علمی: بهزاد پورسید

همکاران داخل مرکز: سیدمیثم عظیمی، محمد زهروی، حمید بهره‌مند، امیرحسین جلالی، حامد رحمانیان

همکاران خارج از مرکز: محمد آشوری، علی خوشوقتی، علی اکبر مهابادی، محمد نصری صالح آبادی، حسنعلی مؤذن زادگان، جواد طهماسبی، محمود آخوندی، محمد مصدق

مقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۳/۳۰